

Rereading Urban Women's Rights during the Qajar Era on basis of Archival Documents of "Women's World in the Qajar Era"

Elnaz Bagheri Abyaneh*

Behzad Karimi**

Abstract


The prevailing image of women in the Qajar period, especially in the pre-constitutional period, which has been shown in studies, confirms a passive and completely marginal image. However, critical review of informal and family archival documents, especially documents provided and collected by the online archive of "Women's World in the Qajar Era", that approves social relations in less studied areas, show Women in various roles such as wife, mother and economic activist in the religious and traditional frameworks, had acceptable rights and, accordingly, social activism. On this basis, the authors have tried to obtain a comprehensive picture of the activities and occupations of women belonging to different social strata of the Qajar era by using the method of historical analysis based on archival documents and studies.

Keywords: Women ؛Law ؛Qajar Era ؛Archive of the Women's World in the Qajar Era

* M.A in History of Islamic Iran, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding Author),
bagheri1781@gmail.com

** Assistance Professor of Iranian Studies, Meybod University, Meybod, Iran, bhzkarimi@gmail.com

Date received: 25/7/2020, Date of acceptance: 17/1/2020

 Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجاریه بر اساس اسناد آرشیوی «دنیای زنان در عصر قاجار»

الناز باقری ابیانه*

بهزاد کریمی**

چکیده

تصور غالب و تصویری که عموماً از زنان دوره قاجار به‌ویژه در دوران پیشامشروطه در مطالعات به نمایش گذاشته شده است مؤید تصویری منفعل و کاملاً حاشیه‌ای است. اما بازخوانی انتقادی اسناد و مدارک آرشیوی غیررسمی و خانوادگی به‌ویژه اسناد فراهم آمده و جمع‌آوری شده توسط آرشیو برخط «دنیای زنان در عصر قاجار» که مؤید مناسبات اجتماعی در عرصه‌های کمتر مطالعه شده و محوریت این پژوهش است، نشان می‌دهد زنان در نقش‌های مختلف از جمله زوجه، مادر و فعال اقتصادی در چارچوب‌های شرعی و سنتی، دارای حقوقی مقبول بوده و بر همین اساس، کنشگری اجتماعی تاثیرگذاری داشتند. نویسندگان بر همین اساس با استفاده از روش تحلیل تاریخی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و مطالعات کوشیده‌اند، تصویری همه‌جانبه از فعالیت‌ها و اشتغالات زنان متعلق به قشرهای مختلف اجتماعی عصر قاجار را به دست دهند.

کلیدواژه‌ها: زنان؛ حقوق؛ عصر قاجار؛ آرشیو دنیای زنان، دوره قاجار

* کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)، bagheri1781@gmail.com

** استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، karimi@meybod.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

تردیدی نیست که زنان در طول تاریخ ایران نسبت به مردان جایگاه و نقشی فرودستانه داشته‌اند. جلوه‌های این فرودستی در عرصه‌های مختلفی نمودار است. در سپهر سیاست از زنان جز کوتاه ادوار ایران باستان در مقام فرمانروا و پادشاه چیزی نمی‌شنویم (برای نمونه نک. کریستین سن، ۱۳۶۸، ۶۴۷-۶۴۸) و در تاریخ ایران پس از اسلام نیز زنان گرچه در موارد متعددی چونان پرده‌نشینان بازیگر و بازی‌ساز در سیاست نقش‌آفرین‌اند، اما جز در حاشیه نتوانند بود.^۱ ادبیات فارسی نیز تا اندازه‌ای به‌مثابه آئینه جامعه ایرانی، آنچه از زن عرضه داشته است، غالباً در خوارداشت و مذمت اوست و زن در تصویری عام دست‌کم در ادبیات رسمی فارسی، فتنه‌ای است که مردان باید همواره در مواجهه با او احتیاط پیشه کنند.^۲ در بُعد هستی‌شناختی نیز مؤنث صفتی است که در کیهان‌شناسی باستانی سرچشمه گرفته از مکاتب اسکندرانی و یونانی به پدیده‌های فلکی و سیارات مغلوب و ضعیف نسبت داده شده است.^۳ در زمینه ادیان و به‌ویژه اسلام نیز بدیهی است که دین‌نویسان اسلام بر ساختاری مردسالارانه بالید و اگرچه ظرفیت‌های بسیار زیادی در آن از حیث تساوی زن و مرد وجود دارد، اما شوربختانه در خوانش‌ها و سوءبرداشت‌هایی متعصبانه و تنگ‌نظرانه، با تفسیری از زن مواجه می‌شویم که جایگاه فرودستانه‌اش را در جامعه مستحکم‌تر می‌سازد.^۴

آماج این جستار، اما تکرار مکررات در باب نادیده‌انگاشتن تعمدی زنان از سوی مردان در طول تاریخ نیست، هدف اصلی تعریف شده برای این نوشتار درست بر خلاف جریان آب است. قصد اصلی نویسندگان جستجوی حقوق و فعالیت‌های زنان در دوره‌ای از تاریخ ایران است که به تضييع حق زنان شهرت دارد.^۵ دوره قاجار که طی آن برخی فتور در شئون تمدنی و فرهنگی راهیافت، همزمان سرآغاز آشنایی ایرانیان با فرهنگ مدرن به‌شمار می‌رفت و به نوبه خود به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، فضایی مساعد را برای طرح بحث از حقوق جدید زنان فراهم آورد.^۶ آنچه را که ما در این جا سرلوحه کار قرار داده‌ایم انکار فرودستی زنان در این روزگار نیست؛ این دوره در واقع در ادامه تاریخ طولانی زن-ستیزی و فرودستی زنان است، اما در زمینه‌ای برآمده از مذهب و کارکردهای ضروری اجتماعی، با انواع حقوق عمومی و خصوصی و زمینه‌های فعالیت برای زنان مواجه هستیم که در سایه هستی‌شناختی تاریخ تحولات ایران که زن را در پس پرده نگاه داشته بود و در پرتو معرفت‌شناختی پژوهش‌های فمینیستی معاصر چندان مورد توجه قرار نگرفته است.^۷

نویسندگان این جستار بر این باورند که بازخوانی اسناد برجای مانده از زنان دوره قاجار می‌تواند لااقل در سپهر زندگی اجتماعی شهری، نوری هرچند کوچک بر زوایا و خبایای حقوق هرچند اندک زنان بیفکند و با کمک آن چه بسا بتوانیم در تفسیرهای امروزی از زندگی زنان قاجار که مطلقاً «ضعیفه» پنداشته شده‌اند، تجدید نظر کنیم.

تا کنون آرشیو «دنیای زنان در عصر قاجار» دستمایه تحقیقی از این دست قرار نگرفته است. از همین رو می‌توان این جستار را افزون بر مواد و مصالح نوین از حیث ایده مرکزی آن نیز، آغازکننده مسیری نو قلمداد کرد. با این حال تاریخ زنان همواره از جمله موضوعات جذاب برای پژوهشگران تاریخ ایران و به‌ویژه تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شده است. و کم نیستند کارهایی که در این حوزه در قالب‌های مختلف مجال انتشار یافته‌اند که هر یک به طریقی تفاوت‌هایی با این جستار دارند. عمده پژوهش‌های انجام شده در این زمینه با استفاده از تاریخ‌نگاری‌ها یا سفرنامه‌ها بسامان شده‌اند. بنفشه حجازی که شاید بیشترین فعالیت را در سال‌های اخیر در زمینه‌ی نگارش تاریخ زنان داشته است، در آثارش و به‌ویژه در کتاب *تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار* که مرتبط‌ترین اثر با موضوع این جستار تواند بود به سراغ اسناد نرفته و کتاب خود را صرفاً بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مبتنی بر سفرنامه‌ها به نگارش درآورده است. همچنین غالباً آثار وی نشان‌دهنده‌ی همان تصویر کلیشه‌ای مرسوم از زن ایرانی است. بشری دلریش نیز از جمله پژوهشگرانی است که در باب وضعیت زنان و به‌ویژه در ادوار پیش از مشروطه کار کرده است و بر اساس سفرنامه‌ها به بررسی فرودستی زنان در کتاب *زن در دوره قاجار* پرداخته است. شاید بتوان یکی از نزدیک‌ترین آثار به این جستار را مقاله «روابط حقوقی زن و مرد دوره‌ی قاجار در نظام خانواده» نوشته مرتضی دهقان‌نژاد و الهه محجوب دانست. گرچه نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تصویری از مناسبات حقوقی زنان و مردان را در دوره مورد مطالعه این جستار ترسیم کنند، اما منابع آن‌ها بیشتر شامل اسناد سازمان اسناد ملی ایران و منابع سفرنامه‌ای است که این آخری بارها در موضوع زنان مورد استفاده قرار گرفته است؛ ضمن این‌که تنوع اسناد جستار حاضر بسیار گسترده‌تر از انواع اسنادی است که در مقاله یاد شده مورد استفاده قرار گرفته است. کتاب *پژوهشی در عقده‌نامه‌های ازدواج دوره‌ی قاجار* نوشته‌ی مریم جواهری اثر دیگری است که شباهت‌های شکلی با این مقاله دارد. نویسنده کار خود را در این کتاب بر اساس اسناد پیش برده، اما تنها از اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی استفاده کرده است. ضمن آن که کار ایشان فقط مشتمل بر عقده‌نامه‌های

دوره‌ی قاجار است که تنها بخشی از اسناد پایه این پژوهش را شامل می‌شود. دیگر کار مشابه را که اتفاقاً باز در زمینه اسناد ازدواج چهره بسته است می‌توان مقاله حسین طیبانی با عنوان «سیری در قباله‌های ازدواج» به‌شمار آورد که در آن بیشتر به بررسی جنبه‌های حقوقی ازدواج با استناد به عقدنامه‌های این روزگار پرداخته شده است که همان‌طور که اشاره شد صرفاً بخشی از اسناد اساسی این مقاله است. این‌ها تنها نمونه‌هایی از آثار متعددی است که درباره زنان قاجاری به رشته تحریر درآمده است، اشارت به آن‌ها صرفاً از باب ضرورت آشنایی اجمالی با ادبیات پژوهش صورت گرفت و می‌توان فهرست این آثار را که عموماً در حال و هوای آثار یاد شده نگاشته شده‌اند، طولانی‌تر کرد.

آرشیو «دنیای زنان در عصر قاجار» که اکنون از طریق سایتی به همین نام در فضای مجازی در دسترس قرار دارد، در سال ۲۰۰۹ به ابتکار افسانه نجم‌آبادی، استاد مطالعات زنان و جنسیت در دانشگاه هاروارد و با تأمین مالی از سوی این دانشگاه راه‌اندازی شد. هدف اصلی این سایت آن‌چنان که نجم‌آبادی به آن اشاره کرده است، تشکیل یک آرشیو تاریخ اجتماعی از زندگی روزمره زنان در دوره قاجاریه بوده که انگیزه اصلی آن را کمبود منابع و اسناد دست اول در ارتباط با زنان و غالب بودن روایت مردسالارانه از تحولات و حوادث این دوره مهم تاریخی فراهم آورده است (نجم‌آبادی، ۱۳۹۲). نکته مهم در ارتباط با این آرشیو که اکنون بیش از چند هزار سند را در قالب ده‌ها هزار تصویر در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، توجه به جمع‌آوری اسناد و مدارک غیررسمی از زنان بوده است. گرچه این آرشیو به شکل محدود از اسناد رسمی یا آرشیوهای معتبری چون سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه ملک و مرکز اسناد آستان قدس منابعی را در خود ذخیره دارد، اما ارزش آن بسته به اسنادی است که نجم‌آبادی و گروهی کوچک از پژوهشگران در تلاشی خانه به خانه و شهر به شهر از نقاط مختلف ایران به‌ویژه تهران گردآوری کرده‌اند (میربغدادآبادی، ۱۳۹۲). این اسناد هم‌راوی زندگی زنان متعلق به طبقه اشراف و اعیان است و هم حکایتگر زندگی روزمره زنان بی‌نام و نشان عمده‌تا شهری. به همین خاطر است که این آرشیو را می‌توان گنجینه‌ای ارزشمند برای سامان دادن به پژوهش‌های سندشناختی در زمینه زنان عصر قاجار ارزیابی کرد که متأسفانه تاکنون توجهی جدی چندانی به آن صورت نگرفته است.

اسناد این آرشیو شامل گونه‌های مختلفی از اسناد است که می‌توان آن‌ها را ذیل این دسته‌بندی‌ها جای داد:

- مکتوبات مثنوی و منظوم از جمله نامه‌ها، مقالات، سفرنامه‌ها، رساله‌ها و نشریات.

- قباله‌ها از جمله نکاح‌نامه، پشه‌نامه، صلح‌نامه، وکالت‌نامه و وقف‌نامه.
- عکس‌ها.
- اشیا و آثار هنری متعلق به زنان.
- مصاحبه با زنان در قالب فایل‌های صوتی.

نویسندگان این جستار با امعان نظر به کم‌نظیر یا بی‌نظیر بودن بسیاری از این اسناد که تنها در اختیار خانواده‌ها قرار دارد، و با توجه به ضرورت مطالعه این اسناد به‌عنوان هدف غایی در نظر گرفته شده برای راه‌اندازی چنین گنجینه‌ای ارزشمند، پژوهش خود را بر اسناد و مدارک فراهم آورده از این آرشیو استوار ساخته‌اند. هدف نویسندگان این جستار جهت سامان دادن یک مقاله محدود از میان هزاران سند ارائه شده در این پایگاه برخط با دغدغه عرضه تصویری نسبتاً جامع از وضعیت زنان در دوره مطالعه باعث شده است تا به شیوه‌ای استقرایی که روش معمول میان مورخان است عمل کنند و گزیده‌ای از اسناد را با توجه به موضوع اصلی این نوشتار، مبنای کار قرار دهند. گستره مکانی اسناد گزینش شده در این جستار بیشتر محدود به شهر تهران، شیراز، تبریز و مناطقی از گیلان است و به لحاظ زمانی بازه‌ای بین ۱۲۴۳ تا ۱۳۴۶ هجری قمری را در بر می‌گیرد. بر همین اساس اسناد با معیار موضوعات مورد توجه در این مقاله در چند حوزه مشخص دست‌چین شده تا چشم‌اندازی نسبتاً کامل از حقوق زن دوره قاجاریه در نقش‌های متفاوت به‌دست داده شود:

۱. حقوق زن به‌عنوان زوجه.

۲. حقوق زن به‌منزله مادر.

۳. حقوق و فعالیت‌های اقتصادی زنان.

۴. حقوق زنان در دعاوی و مراجع قضایی.

۲. حقوق زن به‌عنوان زوجه

پیوند زناشویی از قدیمی‌ترین پیوندهایی است که میان انسان‌ها به وجود آمد و مورد توجه قرار گرفت و به دنبال خود حقوقی را برای طرفین به وجود آورد. مهم‌ترین منابع برای ایجاد این حقوق در کشور ما قوانین شرعی و عرفی حاکم بر جامعه هستند و البته بعد از به وجود آمدن مجلس و به دنبال آن قانون‌گذاری در ایران این حقوق شکل رسمی‌تری به خود گرفت.

اما آنچه از مطالعات درباره‌ی این دوره از ازدواج و بنیان خانواده در ایران برمی‌آید این است که در نظر کلی: «تشکیل خانواده محترم و بنیاد خانواده معتبر بوده است. و البته پدر سالار، زن و فرزند بنده و فرمان‌بردار و از مقام اجتماعی زن و حقوق انسانی از او خبری نیست» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ۲۲) مهم‌ترین اسنادی که در این بخش برای بررسی حقوق زنان به‌عنوان همسر در زندگی مشترک مورد مطالعه قرار گرفت شامل نکاح‌نامه‌ها، طلاق‌نامه‌ها، صلح‌نامه‌ها، عریضه‌ها و وصیت‌نامه‌ها هستند.

۱.۲ نکاح‌نامه‌ها

حقوق زنان را از میان عقدنامه‌ها در چند بخش جداگانه می‌توان مورد بررسی قرار داد:

(۱) معرفی زوج و زوجه.

(۲) مهریه.

(۳) شرایط ضمن عقد یا حاشیه‌نویسی‌های حقوقی.

۱.۱.۲ معرفی زوج و زوجه

در تمامی عقدنامه‌هایی که مورد بررسی واقع شده‌اند، ابتدا نام زوج و سپس نام زوجه آورده شده است. در تمام آن‌ها پس از آورده شدن نام هر یک از زوجین نام پدر آن‌ها و در برخی موارد نام جد پدری آمده است. به‌جز یک مورد که صراحتاً طفل بودن زوجین در عقدنامه بیان شده است، در سایر موارد زوجه را با عناوینی مانند «العاقله»، «البالغه» و «الرشیده» خطاب قرار داده‌اند که بیانگر اهمیت رشد جسمانی و آمادگی زوجه برای ازدواج است. هم‌چنین در مواردی کلمه‌ی «المختاره» هم در معرفی زوجه آورده شده است که می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت در این دوران به آزادی انتخاب همسر اهمیت داده شده است. در معرفی زوجین و پدران آن‌ها اغلب نام شهر یا محل سکونت هر یک از طرفین به‌اضافه‌ی شغل زوج، پدر زوج و پدر زوجه بیان شده است. این مساله در فهمیدن طبقه‌ی اجتماعی و اقتصادی زوجین و بررسی دقیق‌تر حقوق زنان در میان اقشار مختلف جامعه قابل تأمل است (سند شماره‌ی ۱۰۱۶۸۱۸۳ مجموعه‌ی بهرام شیخ‌الاسلامی؛ سند شماره‌ی ۱۲۵۲۸۱۳۹ مجموعه‌ی کارن).

۲.۱.۲ مهریه

مهریه معمولاً شامل یک یا چند قلم از اقلامی مانند وجه نقد، فلزات قیمتی، آب، املاک زراعتی عمارت مسکونی، طاحونه (آسیاب)، اجناسی مانند فرش و لباس و رختخواب، جام و آیینه و یک جلد قرآن (که مبلغ هدیه‌ی آن در بیشتر موارد در عقدنامه ذکر می‌شده است). و در چند مورد کنیز یا جاریه‌ی حبشی می‌باشد. در اکثر موارد وجه نقد از اقلام ثابت و یا تنها مورد مهریه بوده است که اغلب جنس و وزن سکه ذکر می‌شده است. وزن سکه با نخود (واحد اندازه‌گیری وزن معادل یک بیست و چهارم مثقال) مشخص می‌شده است. واحد رایج تومان است و البته در چند مورد هم از لفظ روپیه استفاده شده است که عموماً متعلق به دوره‌ی فتحعلی شاه است. (سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۱۸ مجموعه‌ی میثم احمدی کافشانی). از ۱۸۰ عقدنامه‌ی موردبررسی در این سایت به‌جز چند مورد انگشت‌شمار در تمامی آن‌ها وجه نقد حتماً در مهریه بوده است (به‌عنوان تنها قلم یا بخشی از مهریه) در مواردی که وجه نقد جز مهریه نبوده است عمارت، ملک زراعی، حق آب و طاحونه مهریه‌ی زوجه قرار داده شده است.

از میان عقدنامه‌های مطالعه شده در این قسمت در ۱۲۰ عدد از آن‌ها بخشی از مهریه و تا حدود نیمی از آن قبل از جاری شدن خطبه‌ی عقد پرداخت شده بود. در این رابطه هیچ قانونی مبنی بر پرداخت به هنگام خواندن خطبه‌ی عقد یا قبل از آن در قوانین شرع اسلام یافت نشد و به نظر می‌آید این نحوه‌ی پرداخت به‌عنوان عرف در آن دوره مرسوم بوده است. در ۲۴ مورد از عقدنامه‌های موردبررسی، برده با لفظ جاریه‌ی حبشی و غلام هم از اقلام مهریه است. قدیمی‌ترین آن‌ها به سال ۱۲۰۸ ق. و متعلق به دوره‌ی آغامحمدخان است و آخرین آن‌ها در دوره‌ی احمدشاه و به سال ۱۳۲۹ ق. است. البته یک مورد هم به سال ۱۳۶۰ ق. (معادل ۱۳۲۰ ش) و دوره‌ی پهلوی در اسناد موجود بود. نکته‌ی قابل‌ذکر در این مورد این است که از مجموع ۲۴ مورد، تنها ۴ مورد آن بعد از مشروطه بوده است. یعنی هرچه به پایان سلطنت ناصرالدین‌شاه نزدیک می‌شویم از تعداد این قلم در مهریه کاسته می‌شود. شاید دلیل این روند کاهش را بتوان قانون منع برده‌داری در ایران دانست که از زمان محمدشاه و تحت‌فشار انگلیسی‌ها در ایران آغاز شده بود (علیپور، ۱۳۸۹، ۱۳۹).

استفاده از اقلامی مانند گوسفند، زمین‌های کشاورزی، آب و طاحونه که همان منابع تولید ثروت در اقتصادی کشاورزی ایران بوده است به‌عنوان مهریه، می‌تواند بیانگر نوع معیشت مردم و تأثیر آن بر مهریه باشد. در عقدنامه‌ها در قسمتی که مربوط به مهریه است

اگر مهریه شامل املاک یا عمارت مسکونی باشد حدود دقیق آن در عقدنامه ذکر شده است تا جای هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای نباشد. به‌طور معمول پرداخت مهر بر ذمه‌ی زوج است ولی اگر بر عهده‌ی شخص دیگری بوده بسیار دقیق و با ذکر جزئیات مشخص می‌شد که پرداخت کدام قسمت از مهریه بر عهده‌ی چه کسی است. معمولاً وجه نقد بر ذمه‌ی زوج و وجه غیر نقد بر ذمه‌ی پدر، برادر و حتی در مواردی بر عهده‌ی مادر زوج بوده است. البته با توجه به این‌که این موارد معمولاً شامل مهریه‌های غیر نقدی است می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که چون این املاک در تملک خانواده‌ی زوج است آن‌ها مهریه را بر عهده گرفته‌اند (سند شماره‌ی ۱۶۱۷۵۸۳۸ مجموعه‌ی الهه بهرامی). در بعضی از این موارد مانند نمونه‌ی بالا، قبل از اجرای صیغه‌ی عقد، املاک و موارد دیگر را پدر یا مادر در حق فرزند خود مصالحه می‌کردند که در نتیجه‌ی آن مهریه بر ذمه‌ی زوج قرار می‌گرفت.

چگونگی ضمانت پرداخت مهریه‌ها هم از مسائل مورد تأمل در بررسی عقدنامه‌ها می‌باشد. از آنجایی که طبق قوانین شرعی و عرفی، پرداخت مهریه از حقوق قانونی زنان و زوجه است مسلماً ضمانت پرداخت آن هم از موارد مهم و قابل توجه است. همان‌طور که گفتیم در بسیاری موارد بخشی از مهریه قبل از جاری شدن صیغه‌ی عقد پرداخت می‌شده است. اکثر موارد لفظ «عندالمطالبه» برای مواردی که مهریه به‌طور کامل و یا بخشی از آن پرداخت نشده و هنوز بر ذمه‌ی زوج است عنوان شده و بدین معناست که هر زمان زن مهریه‌اش را طلب کرد، مرد باید آن را پرداخت کند. البته در مواردی هم در کنار این لفظ از الفاظ «عندالاستطاعه» و «عندالقدره» نیز استفاده شده است. یعنی شرط پرداخت مهریه به توانایی زوج منوط شده است. (سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۶۶ از مجموعه‌ی میثم احمدی کافشانی)

۳.۱.۲ شرایط ضمن عقد یا حاشیه‌نویسی‌های حقوقی:

از ۱۸۰ عقدنامه‌ی بررسی شده در مجموعه‌های آرشیو، حدود ۳۰ عقدنامه شروط ضمن عقد داشتند. این شروط از مواردی هستند که در آن‌ها می‌توان حقوق زنان را مورد مطالعه قرار داد. در شروط ضمن عقد، زوج بخشی از حقوق خود را رسماً به زوجه واگذار می‌کند که از حیث تفاوت این رویکرد با تصویری که از تزییع حقوق زنان در این دوره داریم دارای اهمیت بسیار است. مهم‌ترین و بیشترین شروط ضمن عقد را می‌توان این‌گونه طبقه‌بندی کرد:

۱. حق تعیین مکان زندگی.
۲. واگذاری حق طلاق به زوجه در صورت عدم پرداخت نفقه از سوی زوج در یک بازه زمانی مشخص یا حدوث برخی شرایط خاص.
۳. سایر شروط (مانند شرط نگهداری از فرزند زوجه، یا شرط اختیار زوجه دیگر و محل اسکان آنها).

۱.۳.۱.۲ حق تعیین مکان زندگی

اولین مورد حق انتخاب زوجه را برای محل سکونت بیان می‌کند و به‌عناوین مختلف بیان شده است. گاهی فقط ذکر شده است حق انتخاب مکان و مسکن با زوجه است و گاه صراحتاً بیان شده زوج بدون رضایت زوجه او را از محل یا شهر مورد ذکر خارج نسازد یا از قریه‌ی مورد نظر به جای دیگر نبرد. یک مورد هم آمده است اگر زوج بخواهد زوجه را از تهران خارج سازد و او راضی نباشد باید پنجاه تومان به او بدهد و ایشان را ببرد (سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۱۳۶ از مجموعه‌ی کارن)

۲.۳.۱.۲ واگذاری حق طلاق

در شرط دوم، حق طلاق زن در صورت نرسیدن نفقه و کِسْوَه^۱ و مخارج زندگی بیان می‌شود. اغلب برای این شرط مدت‌زمان قید می‌شود. مثلاً برای مدت سه یا شش ماه یا یک سال و ... و مدت استفاده از این شرط را تعداد سال‌هایی که در عقدنامه ذکر می‌شد تعیین می‌کردند. به‌طور مثال برای بیست یا پنجاه سال زوجه می‌توانست از این شرط استفاده کند و مقدار نفقه‌ی روزانه هم در برخی موارد در عقدنامه ذکر شده است. پس اگر زوج به سفر می‌رفت و یا غایب می‌شد و طی مدت‌زمان مشخص مخارج روزانه‌ی زوج را تأمین نمی‌کرد زوجه می‌توانست از این شرط استفاده کند و خود را مطلقه نماید. با توجه به شرایط خاص آن دوران و فقدان وسایل مناسب برای سفر و اتفاقات پیش‌بینی‌نشده و حتی موارد دیگری که زوج به هر دلیل غایب می‌شد و همسر و خانواده را رها می‌کرده به نظر می‌آید این شرط نوعی چاره‌اندیشی برای حل مشکلات زن به‌عنوان همسر بود تا بتواند در غیاب زوج زندگی خود را ادامه دهد و از حقوق طبیعی یک زن و البته یک انسان برخوردار باشد (سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۱۹۹ مجموعه‌ی کارن).

۳.۳.۱.۲ سایر شروط

تعداد این دسته از دودسته‌های قبلی کمتر است و موارد متعددی را شامل نمی‌شود. به‌طور مثال در یک مورد شرط زوجه برای طفل صغیرش از همسر قبلی خود است که مخارج طفل صغیر تا زمانی که صغیر است با زوج است (سند شماره‌ی A۱۵۵ A۱۲۵۲ از مجموعه‌ی کارن). در موردی دیگر این شرط بیان شده که اختیار مکان با زوجه است و اگر زوج خواست زوجه را پهلوی زوجه‌ی دیگر خود مسکن دهد باید یک‌صد تومان مجاناً و بلاعوض به مخدره بدهد (سند شماره‌ی A۱۳۳ A۱۲۵۲ از مجموعه‌ی کارن).

۲.۲ طلاق‌نامه‌ها

بنا به باور عمومی و آنچه در نوشته‌های مربوط به این دوره آمده است، در نظام خانوادگی دوران قاجار و بر مبنای قانون شرع، حق طلاق را با مردان می‌دانستند. (مه‌ریزی، ۱۳۹۰) از میان حدود ۶۰ مورد طلاق‌نامه یا وکالت‌نامه طلاق بررسی شده در اسناد موجود، تقریباً در تمامی موارد، مسئله مربوط به مهریه، نفقه، کسوه و سایر حقوق زن، صراحتاً بیان و تعیین تکلیف شده است. لازم به ذکر است طلاق‌نامه‌ها اکثراً در ادامه و یا پشت قبالت‌های ازدواج یا نکاح نامه درج شده است. در این اسناد نحوه‌ی وصول مهریه، نفقه و کسوه با جزئیات بیان شده است. خواه به‌صورت کامل و نقد پرداخت شده و بعد صیغه طلاق جاری گشته و یا این‌که پرداخت این دیون به‌صورت اقساط و ماهیانه است. به‌طور مثال در طلاق‌نامه کنز و رجبعلی‌بیک به سال ۱۳۱۹ قمری مبنی بر طلاق زوجه، نصف دارایی موروثی والد ناکح و یک سهم از طاقه از چشمه‌ی مشهور به چشمه‌ی رجبعلی به‌علاوه‌ی ده ریال نقد تسلیم زوجه گردید و شرط شد در صورت تمایل زوج به رجوع ابتدا باید معادل تمام مهریه را تسلیم زوجه کند. اسناد زیادی هم در دست داریم مبنی بر وکالت‌نامه‌ها یا عریضه‌ها برای احقاق حقوق زن در رابطه با طلاق یا دیونی که بر عهده‌ی مرد است. از موارد مورد بررسی در عقدنامه‌ها که شامل شرط ضمن عقد بود، دو مورد دارای وکالت-نامه‌های طلاق است و زوجه از حق خود در این زمینه استفاده کرده است. سند شماره‌ی A۱۹۹A۱۲۵۲ متعلق به مجموعه کارن متضمن شرط ضمن عقدی است که بر مبنای آن در صورت عدم حضور زوج به مدت شش ماه و عدم پرداخت نفقه در این ایام، زن حق دارد خود را مطلقه اعلام نماید. البته طبق اسناد تنها زنانی که از شروط ضمن عقد در عقدنامه-های خود برخوردار بودند حق درخواست طلاق نداشتند، بلکه بدون این شروط هم

به کرات در وکالت‌نامه‌ها و یا عریضه‌ها می‌بینیم زنانی را که به دلایل مختلف برای طلاق اقدام کرده‌اند، مانند شکایت همسر حیدرخان به شجاع‌الدوله و درخواست او برای اینکه یا حیدرخان نفقه و کسوهی هفت ساله‌اش را بدهد و یا او را طلاق دهد (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲۸۵۲۱ از مجموعه‌ی امیرحسین نیک‌پور) مواردی هم مشاهده شده است که زنان به حقوق خود در مورد طلاق دست نیافته‌اند و مجبور به شکایت یا عریضه‌نویسی شده‌اند. به‌طور کلی با بررسی طلاق‌نامه‌ها و وکالت‌نامه‌های طلاق می‌توان به این نتیجه رسید که علی‌رغم تصور عمومی مبنی بر اینکه زنان این دوره از هیچ‌گونه حقی در زمینه‌ی طلاق و احقاق حقوق خود برخوردار نبودند و همیشه حق طلاق با مردان بوده است و بدون دلیل می‌توانستند زوجه خود را مطلقه سازند، اما زنان در موارد متعددی خود درخواست طلاق داده‌اند و البته مواردی هم که طلاق داده شده‌اند اگر به حقوق خود که در عقدنامه ذکر شده بود نرسیدند، می‌توانستند به مراجع قضایی مراجعه کنند و یا به طرق دیگر برای به دست آوردن حق خود اقدام کنند. از جمله می‌توان به سندی از مجموعه جمال رادفر اشاره کرد که طبق آن بالا خانوم، دختر میرزا مهدی در سال ۱۳۲۳ قمری به جهت طلاق بدون اطلاع قبلی نامه‌ای به حجت‌الاسلام امام جمعه و جماعت مملکت فارس نوشته است (سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۶۹) یا طبق سندی دیگر از مجموعه زانیار نوری، دختر حسین‌خان کلانتر توسط همسرش ملامحمد به لفظ ثلاثه طلاق داده شده است و دادگاهی به همین منظور در خاتمین تشکیل شده و چهار نفر در شهر قصر برای ادای شهادت منتظر دادگاه هستند (سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸۸۱۷).

۳.۲ صلح‌نامه‌ها

صلح در لغت به معنای سازش، آشتی و توافق است و در قرآن و سنت نیز عقد صلح به معنای پایان بخشیدن به دعوا به کار می‌رود. البته لزومی ندارد حتماً اختلافی موجود باشد تا بتوان از صلح‌نامه استفاده کرد، بلکه صلح‌نامه‌ها و عقد صلح می‌تواند وسیله‌ی معامله و یا اجاره هم قرار گیرد (برای تعریف و ساختار رایج صلح‌نامه و شرایط فقهی مصالحه‌نامه‌ها نک. رضایی، ۱۳۹۰، ۱۷۶-۱۷۸). صلح‌نامه‌ها قسمت اعظم اسناد موجود در سایت را تشکیل می‌دهد و در موارد متعددی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. اما آن بخش از صلح‌نامه‌ها که در این قسمت مورد استفاده‌ی ما قرار گرفته‌اند، صلح‌نامه‌هایی هستند که بخشی از حقوق زنان را به‌عنوان همسر در زندگی مشترک بیان می‌کند و اغلب بر دو قسم هستند

صلح‌نامه‌های مربوط به مهریه و صلح‌نامه‌های مربوط به طلاق و حقوق زن از نفقه کسوه و مخارج زندگی.

در مورد اول، صلح‌نامه‌های مربوط به مهریه لزوماً در هنگام دعوا و حل اختلافات نوشته نشده است. در موارد این‌چنینی این مصالحه‌ها اغلب درباره‌ی تغییرات در حدود املاک مهریه است. با توجه به این‌که معمولاً قسمت‌هایی از املاک متفاوت در مهریه ذکر می‌شد که بین چند نفر به‌خصوص زوج و برادران و والدین او مشاع بود، به‌طور طبیعی پس از مدتی به دلیل مسائل و مشکلات خانوادگی و یا فوت یکی از اعضای خانواده زوج، نیاز به تغییرات در حدود املاک مندرج در مهریه بود. در موردی سه صلح‌نامه میان یک زوج و زوجه داریم که در مورد اول، املاک مختلف میان آن‌ها مصالحه شده است؛ در یکی از این قرارهای صلح، زوجه بر سر منافع و محصولات چه نقدی و چه جنسی از املاک قریه‌ای که در مصالحه‌ی قبلی از طرف زوج به او داده شده بود با همسرش مصالحه‌می‌کند و صراحتاً ذکر شده است که زوج می‌تواند در تمام مدت عمر خود از منافع املاک استفاده کند و اختیار با خودش است و پس از فوت، املاک به زوجه تعلق دارد (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲۸۴۲ از مجموعه امیرحسین نیک‌پور). دومین مورد در صلح‌نامه‌ها در بررسی حقوق زن به‌عنوان همسر، در زمان طلاق و یا بعد از آن است عموماً این‌گونه صلح‌نامه‌ها برای واگذاری یا بخشش حق مهریه، نفقه و یا سایر دیونی بود که بر عهده‌ی زوج قرار داشت. به نظر می‌آید آن دسته از صلح‌نامه‌هایی که قبل از اجرای صیغه‌ی طلاق و یا حین آن صورت گرفته است، غالباً به این منظور است که زوجه بتواند خود را مطلقه سازد. اما در مواردی هم این مسئله بعد از طلاق صورت می‌گرفته است. احتمالاً برای پایان دادن به اختلافات این نوع مصالحه نوشته می‌شده است مثال آن در سندی از مجموعه‌ی ایران دیبی موجود است که زوجه بعد از طلاق ابتدا بخشی از مهریه‌ی خود را بخشیده است، اما در سندی دیگر ادعا کرده است که عوض اموالش را دریافت نکرده و در نهایت میان او و مدعی علیه مصالحه شده است؛ تاریخ سند ۱۲۹۲ قمری و دوره ناصری را نشان می‌دهد (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵۸۲).

۴.۲ عریضه‌ها

زنان در عصر قاجار گاه برای احقاق حقوق خود به کارگزاران حکومتی یا قضایی عریضه یا شکایت‌نامه می‌نوشتند و یا استشهادنامه‌هایی را که متضمن تأیید شاهدان بود تنظیم می‌-

کردند تا بتوانند به حقوق خود به‌عنوان همسر دست یابند. عریضه در دوران قاجار به مراجع مختلف نوشته می‌شد؛ تا پیش از مشروطه و تشکیل مجلس، مخاطب عریضه‌ها محاکم شرع و عرف بودند و بعد از مشروطه تعداد زیادی از عریضه‌ها مخاطبشان مجلس، وزارت خارجه و سایر دستگاه‌های حکومتی بوده است.

اسناد مربوط به این بخش را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد. اول، عریضه‌هایی که علیه همسر یا همسر سابق نوشته شده است و دوم، آن دسته از عریضه‌هایی که علیه همسر نیست، بلکه در خلال یک زندگی زناشویی و برای استفاده از حقوق یک زن نوشته شده است. در مورد اول، چندین عریضه در اختیار داریم که زوجه برای احقاق حقوق خود از همسرش عریضه نوشته، به‌طور مثال در سندی از مجموعه‌ی جمال رادفر قرارنامه‌ی بدهی مردی به همسرش به سال ۱۳۱۸ق آمده است که مرد در محضر شرع اقرار کرده مبلغ ۲۰۰ تومان به همسرش مقروض است و بناشده در عرض ۵ سال بدهی را بازگرداند و دو دانگ از شش دانگ یک باب خانه در شیراز را به‌عنوان رهن وجه مزبور قرار داده است (سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۷۴). عریضه‌هایی هم نوشته شده‌اند تا ثابت کنند زنان عارض علاوه بر نگرفتن مخارج و نفقه، مورد آزار هم قرار گرفته‌اند؛ و در ادامه، احکامی صادره از محاکم شرع را در این زمینه می‌بینیم که در جهت احقاق حقوق زن است (سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۱ مجموعه‌ی جمال رادفر). تعداد زیادی از این عریضه‌ها برای دریافت مهریه و اجرای سایر حقوق نوشته شده است که عموماً با پاسخ مراجع مخاطب روبرو شده است (برای نمونه: سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۱ از مجموعه‌ی جمال رادفر). نکته‌ی حائز اهمیت این است که اگر به تاریخ این عریضه‌ها توجه کنیم، می‌بینیم برخلاف تصور کلی درباره‌ی این دوره، این نوع از اسناد تنها به اواخر عصر قاجاریه تعلق ندارند، بلکه پیش از تشکیل مجلس و قانون‌گذاری هم زنان عریضه‌هایی برای احقاق حقوق خود می‌نوشتند و این نوشته‌ها توسط محاکم شرع پیگیری می‌شده است. البته این شکایات علیه همسر همیشه در جهت گرفتن حقوق و نفقه نیست، بلکه در مواردی اسنادی مشاهده می‌کنیم که زوجه برای حل اختلافات و گفتگو با همسرش عریضه‌ای به یکی از محاکم شرعی و یا افراد امین و ریش سفید که عموماً از روحانیون هستند نوشته است تا مشکلات خود را بدین طریق حل کنند (برای نمونه نک. سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۴ از مجموعه‌ی جمال رادفر).

همان‌طور که پیش از این اشاره شد نوع دوم عریضه‌هایی که زنان می‌نوشتند مربوط به اختلافات با همسر نیست، بلکه جهت احقاق حقوق خود به‌عنوان همسر بوده است؛ در این

راستا می‌شود عریضه‌هایی را مورد توجه قرار داد که برای آزادی شوهر یا جهت تظلمبه جهت زوج نوشته شده است (سند شماره ی ۱۶۱۷۹۸۱۰۵ جمال رادفر و سند شماره ی B۴۷ ۱۳۱۱۸ زانیار نوری). هم‌چنین چندین سند در همین زمینه در دسترس است مبنی بر این‌که زنی درخواست دریافت حقوق شوهرش را دارد. نمونه‌ی آن را در سندی از مجموعه زانیار نوری شاهد هستیم که زنی عریضه‌ای به وزارت خارجه نوشته است در این مورد که همسرش کارمند کارپردازی ایران بوده و در حال خدمت توسط اشرار عثمانی کشته شده است و حال او درخواست دریافت حقوق شوهرش را دارد (سند شماره ی ۱۳۱۱۸۸۱۱).

۵.۲ وصیت‌نامه‌ها

موضوع محوری وصیت‌نامه‌ها در این دوره تقسیم ارث بود و به همین جهت سهم‌الارث زنان از میراث مردان شامل به‌ویژه زوج و پدر می‌توانست دستمایه اعتراض، شکایت رسمی یا تنظیم مصالحه‌نامه‌هایی قرار گیرد. اسناد مربوط به ارث در آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. ۱) وصیت‌نامه‌ها که در آن سهم‌الارث زن به‌طور واضح بیان شده است و ۲) عریضه‌ها یا وکالت‌نامه‌های زنان با موضوع تعیین سهم‌الارث. نکته شایان توجه این است که در اکثر این اسناد، زوج تک همسر است و تنها در چند مورد انگشت‌شمار به چندهمسری زوج اشاره شده و این مسئله می‌تواند در مجاللی دیگر به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد. شواهد و قراین موجود در اسناد نشان می‌دهد در بیشتر مواردی که تعدد زوجات مطرح بوده، افراد متعلق طبقه‌ی بالای جامعه هستند و شواهد ما در این‌باره میزان اموال مرد یا منصب او بوده است؛ به‌عبارت دیگر می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که چندهمسری میان طبقات فرودست جامعه رواج نداشته است. نمونه‌ی آن را می‌توانیم در سندی از مجموعه‌ی محمد عسگری می‌توانیم مشاهده کنیم که مربوط به تقسیم‌نامه‌ی املاک و اموال میرزا محمدخان فخیم السلطنه میان زوجات و دخترانش است. در این تقسیم‌نامه تأکید شده است بعد از تعیین وضعیت صدقات زوجات به انضمام حق الثمن زوجات، باقی اموال میان دخترانش تقسیم گردد (سند شماره ۱۴۱۸۳۲). البته نکته‌ی قابل‌ذکر در مورد وصیت‌نامه‌ها این است که همواره تقسیم ارث مطابق قوانین شرع نبوده است.^۹ در چند مورد شاهد هستیم در وصیت‌نامه، زوج تمام یا بخشی از اموال خود را به همسرش داده است. در مجموعه‌ی خصوصی سیدمهدی خطیبی چهار وصیت‌نامه از فردی به‌نام سیدتقی چرم فروش به‌دست‌آمده است که در وصیت‌نامه‌ی دوم به تاریخ ۹ رجب

۱۳۱۱ ق تمام اموال به همسرش سلطان خانم واگذار شده است (سند شماره‌ی ۱۲۵۶۸۱۸). وصایایی نیز داریم که در آن‌ها، مرد، همسر خود را وکیل، وصی و یا ناظر بر وصیت‌نامه‌ی خود گمارده است، مانند وصیت‌نامه‌ی علی‌خان امین‌الدوله به سال ۱۳۲۹ که همسرش را وصی و وکیل خود معرفی کرده و تأکیدش بر نگهداری مدرسه رشديه است که خود تأسیس کرده است. در این وصیت‌نامه علاوه بر نقش مهم زن به‌عنوان همسر، اهمیت به علم و فرهنگ را شاهد هستیم و این که یک زن از چنان قابلیت و جایگاهی برخوردار می‌بود که اداره‌ی یک موسسه فرهنگی یا دست‌کم نظارت بر آن به وی واگذار می‌شد (سند شماره‌ی ۳۱۸۰۶۶ از مجموعه‌ی بهمن بیانی). در مجموعه منتخب اسناد جهت نگارش این بخش به‌جز یکی از آن‌ها که فاقد تاریخ است، اسنادیاز دوره ناصری هم وجود دارد که در نگاهی تعمیم‌گرا می‌تواند بیانگر آگاهی بخشی از زنان به حقوق خود در دوره پیشامشروطه و احترام مردان به زنان و نقش و اهمیت آنان در این دوره باشد.

دسته‌ی دوم اسناد در مورد حق الارث مربوط به عریضه‌ها و وکالت‌نامه‌هایی بود که در آن‌ها زن‌ها به دنبال احقاق حق در زمینه‌ی سهم‌الارث‌شان بودند. در یک نمونه متعلق به مجموعه‌ی موزه‌ی قاجار، سندی را در اختیار داریم به تاریخ ۱۳۱۶ ق که در آن زنی برای دریافت حق الارث ثمنیه‌ی خود (یک‌هشتم) از ماترک همسرش به شخص دیگر وکالت داده است (سند شماره‌ی ۱۴۱۵۰۸۲۸) یا در مورد دیگر عریضه‌ای مبنی بر تقاضای تأیید و اگذاری دارایی زوج به زوجه در زمان حیات را شاهد هستیم (مجموعه‌ی غلامرضا سحاب، سند شماره‌ی ۱۳۱۰۶۸۱).

۳. حقوق زن به‌منزله مادر

اسناد به‌دست‌آمده در این قسمت را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: (۱) اسنادی که ناظر به حق حضانت زنان است و (۲) اسناد مشعر به سایر حقوق مادران.

۱.۳ حق حضانت زن

باور عمومی این است که در این زمینه در روزگار قاجاریه، حق زن به‌عنوان مادر در مورد حضانت فرزندان در هنگام طلاق یا فوت پدر به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شد. با بررسی در اسناد سایت ما به ۵۰ سند برخوردیم که در آن‌ها در مورد حضانت یا قیومیت فرزند صغیر

صحبت شده است و در ۱۴ مورد صراحتاً نام یک زن به عنوان قیم طفل یا اطفال آورده شده است که نسبت بسیار قابل توجهی می تواند باشد. این دسته از اسناد، یا شامل اسنادی است که صراحتاً در مورد حق حضانت در آنها صحبت شده و جهت احقاق این حق درخواست پیگیری شده، یا در وصیت نامه و کالت نامه حضانت به مادر داده شده است و یا آن که در لابلای موضوعات دیگر مانند صلح نامه ها یا اجاره نامه ها یا بیع نامه ها به حق حضانت یا قیومیت مادر اطفال صغیر اشاره شده است. (برای نمونه نک. سند شماره ی ۱۶۱۷۹۸۸۶ از مجموعه ی جمال رادفر) از میان وصیت نامه ها و کالت نامه های مربوط به ارث هم چهار سند به دست آمد که در آنها به همسر متوفی به عنوان قیم قانونی فرزندان صغیر، برای پیگیری حقوق و ارثیه ی آنها اشاره شده است؛ مثلاً در مجموعه ی جمال رادفر و کالت نامه ای برای دریافت ارث به تاریخ ۱۳۲۶ق داریم که در آن همسر مرحوم محمد کریم بیک شیرازی به قیومیت شرعی اولاد صغیر خود برای تعیین، دریافت و تصرف متروکات همسرش اشاره دارد (سند شماره ی ۱۶۱۷۹۸۸۴). در اسناد دیگری مانند صلح نامه ها و یا اجاره نامه ها نیز شاهد اشاره به نام زنان به عنوان قیم قانونی و شرعی طفل یا اطفال صغیری هستیم که این زنان به عنوان قیم از طرف این اطفال به معاملات اقتصادی می پرداختند (برای نمونه نک. سند شماره ی ۱۴۱۴۲۸۸۲ از مجموعه ی امیرحسین نیک پور). همان طور که دیدیم حق حضانت تنها در زمان فوت پدر به مادر داده نمی شد، بلکه در زمان طلاق نیز برخلاف تصور عمومی، زنان می توانستند قیومیت فرزندان را به دست گیرند و البته زمانی که قیومیت به مادر تعلق می گرفت مخارج فرزندان با پدر بوده است. لازم به ذکر است از ۱۴ سند بررسی شده که در آن قیومیت فرزندان کوچک به زنی سپرده شده بود در ۳ مورد رابطه مادری صراحتاً ذکر نشده و ممکن است زن دیگری غیر از مادر حضانت کودکان را بر عهده داشته است و این مسئله نیز جای بررسی دارد، زیرا طبق عرف و شرع غالباً حضانت با پدر و جد پدری است و حضانت کودک توسط زنی که مادر او نیست و طبق تعریف حضانت مسئولیت کودک را تا سن بلوغ بر عهده دارد خود جای تأمل است (برای کسب اطلاعات بیشتر نک. مهریزی، ۱۳۸۶).

۲.۳ سایر حقوق و اختیارات

طبق تصور و باورهای عمومی در دوره مطالعه ما حقی که یک زن به عنوان مادر دارا بود با حقوق طبیعی او یکسان نبود، مادران فقط نقش فرزند پروری داشتند و با سایر حقوق خود

آشنا نبودند. اکنون در این بخش قصد داریم به سایر حقوق مادران پردازیم، از جمله حقوقی که در آن‌ها مادر اختیار اموالش را دارد و آن‌طور که می‌خواهد در مورد فرزندان و اموالش عمل می‌کند. البته همیشه این صلح‌نامه‌ها با فرزند پسر نبوده است، بلکه در دو مورد هم این مسئله میان مادر و فرزند دخترش رخ داده است آن هم با شرایط خاص از جمله اختیار فسخ و یا برپاداشتن سفره اطعام یا هزینه برای نماز و روزه مادر (برای مثال نک. سند شماره ۱۲۸۰۸۹ از مجموعه‌ی آذرکیوان و محمدرضا رفیعی و سند شماره ۱۴۱۴۲۸۱۵۰ از مجموعه‌ی امیرحسین نیک‌پور) همچنین اسنادی داریم که نشان می‌دهد زن در مقام مادر در یک نقش‌آفرینی فوق‌العاده در مقابل توقیف منزل، ظلم ارباب و بردن ناموس خانواده تظلم خواهی و تهدید کرده است که در اصطیل شجاع‌السلطنه بست خواهد نشست (سند شماره ۱۳۱۱۸۸۲۶ از مجموعه‌ی زانیار نوری).

۴. حقوق و فعالیت‌های اقتصادی زنان

مشارکت عمومی در امور تولیدی و اقتصادی از نشانه‌های پویایی در یک جامعه است و بالطبع نقش زنان نیز به‌عنوان نیمی از جامعه به شرط فراهم بودن زمینه حقوقی حضور آن‌ها در این عرصه‌ها در پویایی اقتصاد یک جامعه بسیار تأثیرگذار است. قسمت اعظم اسناد آرشیو دنیای زنان در عصر قاجار مربوط به داد و ستد املاک و اموال توسط زنان است که در قالب انواع مقبول عقود (برای کسب آگاهی بیشتر درباره انواع عقود نک. رضایی، ۱۳۹۰، صص ۶ و ۷۵-۷۶) و ایقاعات (برای آگاهی درباره انواع ایقاع نک. همان، ۶ و ۷۴) انجام پذیرفته‌اند این فعالیت‌ها اکنون در قالب اسناد صلح‌نامه، اجاره‌نامه، بیع‌نامه (برای تعریف و ساختار مبیع‌نامه‌ها نک. همان، صص ۸۹-۹۹)، حبس‌نامه (برای تفصیل حبس‌نامه نک. همان، ص ۱۳۳)، افزانامه^{۱۰}، نذرنامه^{۱۱} و هبه‌نامه (درباره هبه‌نامه نک. همان، ۱۶۷) در اختیار ما قرار دارد. ما در این بخش هرکدام از این انواع عقود و ایقاعات را به‌صورت جداگانه مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

۱.۴ بیع‌نامه یا مبیع‌نامه

از ۱۰۰ مورد سند مطالعه شده در این قسمت در ۸۹ مورد فروشنده خانم و در ۱۱ مورد خریدار خانم ثبت شده است. قدیمی‌ترین سند به‌دست‌آمده در این قسمت مربوط به سال

۱۲۳۷ق است که بیع‌نامه‌ای است مربوط به سه قطعه ملک مشهور به درختستان واقع در سه‌راه شمس‌آباد از قریه خوزان به مبلغ ۳۰ تومان پول مسکوک (سند شماره‌ی ۱۵۱۶۶۸۳۸ از مجموعه‌ی سعید بدیعی). در بیع‌نامه‌های مورد مطالعه در ۸۷ مورد زنانی که یک طرف معامله بودند وکیل نداشتند و در ۱۳ معامله با وکالت از طرف زنان انجام شده است که در ۴ مورد وکالت از طرف طفل صغیر بوده و در سایر موارد وکیل همسر یا برادر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود اغلب وکالت‌نامه‌ها بدون وکیل و با حضور خود زنان انجام شده است (برای نمونه نک. سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۴۶ از مجموعه‌ی میثم احمدی کافشانی). مبیع یا مورد معامله شده در این اسناد از موارد دیگر مورد مطالعه بود. در بیشتر مبیع‌نامه‌ها، موارد معامله شده شامل خانه مسکونی و عمارت زمین و باغ است و تنها در ۱۳ مورد، مورد معامله متفاوت دیده شد. از این ۱۳ مورد، ۹ مورد شامل سهم آب، سه مورد کنیز (سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۱۵۷ از مجموعه‌ی میثم احمدی کافشانی)، غلام (سند شماره‌ی ۱۳۱۲۲۸۳۱ از مجموعه‌ی مرکز اسناد و کتابخانه‌ی استان یزد) و یک مورد حمام (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۸۸۳۲ از مجموعه‌ی رضا سرابی اقدم) است.

۲.۴ اجاره‌نامه‌ها

از میان ۴۱ سند اجاره‌نامه بررسی شده که در آن یکی از طرفین معامله زنان بوده‌اند در ۳۳ مورد موجر و در ۸ مورد مستأجر زن بوده است. از میان این اسناد، در ۷ مورد وکیل به نیابت از زنان معامله را انجام داده است و در ۳۴ مورد زنان مستقل وارد معامله شده‌اند. در این ۷ مورد وکلا در یک مورد از جانب طفل صغیر معامله را انجام داده‌اند و در ۲ مورد همسر (مانند سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۲۶۹ از مجموعه‌ی جمال رادفر) و در ۴ مورد نسبت آن‌ها ذکر نشده است (مثلاً: سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹۸۳۱۲ از مجموعه‌ی جمال رادفر). مواردی که در اجاره‌نامه مورد معامله قرار گرفته‌اند اغلب شامل املاک و زمین زراعتی و باغ بودند، یک مورد قنات یک مورد سهم آب و یک مورد دکان بود که در مورد آخر خانم به قیومیت از فرزندانش معامله را انجام داده بود. طبق این سند اخیر اجاره‌نامه‌ای میان آقای مشهدی پسر مشهدی احمد خرقانی و بی‌بی خانم زوجه هاشم به قیومیت از جانب فرزندانش به تاریخ ۱۳۳۷ قمری در خصوص کل شش‌دانگ سه باب مغازه متصل به هم با مال‌الاجاره ۲۴۰ تومان منعقد شده است (سند شماره‌ی ۱۲۵۲۸۲۱۰ از مجموعه‌ی کارن).

۳.۴ هبه‌نامه

در اسناد این بخش در ۱۰ مورد از هبه صحبت شده است که ۸ مورد آن هبه‌نامه، ۱ مورد سند اختلاف بر سر هبه‌نامه‌ی مادر (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵۸۸۲ مجموعه‌ی ایران دیبی) و ۱ مورد دیگر هبه‌ای است که در باب مهریه از طرف مادر داماد در عقدنامه صورت گرفته است (سند شماره‌ی ۱۴۱۲۶۸۶۹ از مجموعه‌ی آستان قدس). در تمام ۱۰ مورد ذکر شده، عین موهوبه، مال‌الارث و یا مهریه است به‌جز یک مورد، که پدر ملکی را خریده و به دخترش هبه نموده است (سند شماره‌ی ۱۱۳۸۸۱۸۷ از مجموعه‌ی اشرفی).

۴.۴ نذرنامه

در ۳ مورد از ۴ مورد سند نذرنامه در آرشیو، نذرکننده زن است؛ ۱ مورد نذرنامه مادر در حق فرزند، ۱ مورد با همسر و ۱ مورد نذر میان ورثه انجام شده است (سند شماره‌ی ۱۶۱۸۴۸۱ از مجموعه‌ی موزه‌ی مردم‌شناسی اوز) که برای نمونه فاطمه، دختر عبدالقادر سهم خود را از ارث مادری و پدری‌اش یعنی ربع کل خانه‌ی عبدالقادر را نذر فرزند بطنی‌اش از ملامحمد کرده است و محمد با قبول نذر، مبلغ ۳۰ تومان نذر مادرش کرده است (سند ۱۶۱۸۷۸۲ از مجموعه‌ی مجید قاضی‌زاده).

۵.۴ افرازنامه

طی این سند تقسیم سهم مشاع هر یک از شرکا به نسبت سهم انجام می‌شود. این مورد زمانی پیش می‌آید که شرکا در مالی شریک باشند و سهمشان مشخص نشده باشد. تنها یک مورد افرازنامه در آرشیو داریم که طی آن یک قطعه زمین میان تاج‌النسا خانم و محمدرضا پسر جعفرقلی بیک افراز شده است (سند شماره‌ی ۱۱۳۹۸۱۱۱ مجموعه‌ی بهرام شیخ‌الاسلامی).

۶.۴ حبس‌نامه

از میان اسناد سایت تا زمان بررسی توسط پژوهشگران تنها ۲ حبس‌نامه موجود بوده است که در یکی از آن‌ها سند حبس میان آقای حاجی عبدالباقی با هشت پسر و چهار دخترش که اسامی آن‌ها در سند آمده بر اساس سهم ارث هریک نهایی شده است (سند شماره‌ی ...)

۱۲۵۲۸۲۵۶ از مجموعه‌ی کارن) و سند دیگر سند حبس زهرا خانوم با پسرش به تاریخ ۱۳۲۹ق است (سند شماره‌ی ۱۲۵۲۸۲۵۰ مجموعه‌ی کارن).

۵. حقوق زنان در دعاوی و مراجع قضایی

در این بخش قصد داریم به بررسی حقوق زنان در هنگام اختلافات بپردازیم و بدانیم آیا در زمان اختلافات و یا وجود مشکلات زنان می‌توانستند به مرجعی جهت تظلم یا حل اختلاف مراجعه کنند یا خیر و هم‌چنین به هنگام مشکلات روش آن‌ها برای حل اختلافات چه بوده است و در صورت بروز اختلافات، شریعت یا قانون از آن‌ها حمایت می‌کرده است یا خیر و نکته‌ی مهم دیگر این است که آیا زنان به حقوق خود در این زمینه آشنا بوده‌اند و می‌دانستند به هنگام اختلافات می‌توانند از حقوقی که برای هر انسانی در هر جامعه‌ای وجود دارد استفاده کنند. برای پاسخ به پرسش‌های بیشتر به سراغ عریضه‌ها و استشهادنامه‌ها رفتیم تا روند پیگیری حقوق زنان را در محاکم شرع و سایر مراجع قضایی دوره قاجار دریابیم.

۱.۵ اختلافات مالی و ملکی

این بخش خود می‌تواند شامل تمام زیرموضوعاتی باشد که به اموال و املاک مربوط است مانند شکایت از ورثه، بدهی‌ها، تصرف املاک، دعوا بر سر زمین یا سهم محصول، دعوا میان موجر و مستأجر و مواردی از این دست. از میان عریضه‌های موجود در سایت شاید بیشترین تعداد عریضه‌نویسی‌ها به این بخش تعلق دارد و دارایی و املاک با ۶۳ مورد عریضه، بیشترین تعداد را دارا هستند. هم‌چنین دعوا بر سر میراث فرد در گذشته از مسائل رایج در دوره‌ی موردنظر است. در میان اسناد به اسنادی هم می‌رسیم که از کارگزاران حکومتی و و حکام شکایت شده است به‌طور مثال می‌توان به سندی از مجموعه‌ی زانیار نوری اشاره کرد که دختر و نوه سلیمان خان صاحب‌اختیار، دربارهی غارت املاکشان در همدان به‌دست نعمت‌الله خان شجاع الممالک و عباس‌خان از مظفرالدین‌شاه دادخواهی کرده‌اند (سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸۸۹)؛ و در سند مشابه دیگری از همین مجموعه با شکایت چهار زن گُرد به مجلس شورای ملی و شکایت از عدلیه کردستان به سال ۱۳۴۰ق مواجه هستیم که شاکیان طی آن مدعی شده‌اند عدلیه در گرفتن حق آنان از قوام‌التجار و سالار

مفخم کوتاهی کرده است. مجلس نیز طی تلگرافی به این زنان اطلاع داده است که شکایت آنان به وزارت عدلیه فرستاده شده و از سوی آن وزارت خانه از عدلیه‌ی کردستان خواسته شده است که حکم را اجرا کنند (سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸۲۶).

از میان استشهادنامه‌های موجود در آرشیو ۱۹ عدد توسط زنان نوشته شده و از این طریق شواهدی را علیه متشاککی پرونده فراهم آورده‌اند. بیشترین موضوع طرح شده در این شهادت‌نامه‌ها مربوط به ارثیه و سهم‌الارث است؛ در ۷ مورد شهادت‌نامه بدین منظور نوشته شده است، ۲ مورد مربوط به املاک، ۲ مورد درباره مهریه و ۲ مورد نیز در باب تنخواه و مابقی مرتبط با موضوعات گوناگون دیگر است. قدیمی‌ترین این نوع از اسناد دارای تاریخ ۱۲۴۵ق است که برای تثبیت اصالت سیادت از طریق مادر تنظیم شده است (مجموعه‌ی ایران دیبی، سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵۸۸۴). نکته‌ی قابل توجه در مورد استشهادنامه‌ها این است که برخلاف عریضه‌ها قدمت بیشتر آن‌ها متعلق به پیش از مشروطه است؛ از ۱۹ مورد استشهادیه تنها ۳ استشهادیه پس از مشروطه تنظیم شده است که در جای خود قابل تأمل می‌باشد.

۲.۵ اختلافات خانوادگی

بخشی از اسناد مربوط به اختلافات خانوادگی در عریضه‌های بخش قبل که از حقوق زنان به‌عنوان همسر صحبت کردیم مورد بررسی قرار گرفت. دسته‌ی دیگر این عریضه‌ها شامل اختلافات بر سر سهم‌الارث میان اعضای یک خانواده و موارد دیگر را شامل می‌شود. البته لازم به ذکر است تعداد زیادی وکالت‌نامه هم در آرشیو موجود است که در آن‌ها از طرف زنان به مردان وکالت داده شده تا در خصوص پیگیری مطالباتشان اقدام کنند. عموماً این وکالت‌نامه‌ها در رابطه با حق‌الارث آن‌ها و یا دیگر مسائلی است که در خانواده داشته‌اند. مانند سندی از مجموعه‌ی ایران دیبی که یک زن شخصی را وکیل خود قرار داده تا حق پدری‌اش را از املاکی که برادرانش فروخته‌اند به دست آورد (سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵۸۵۳).

۳.۵ موضوعات متفرقه

در بخش شکایت‌های قضایی زنان با تنوع فراوان اسناد مواجه هستیم. به‌طور مثال می‌شود به موضوعاتی نظیر سرقت، قتل، عقد اجباری و ایجاد مزاحمت اشاره کرد. علاوه بر این

اسناد در مواردی استثنایی چند نمونه عریضه در آرشیو در اختیار قرار دارد که مطابق آن‌ها مردان خود برای احقاق حقوق زنان و نه وکالتا از جانب آن‌ها دست به عریضه‌نویسی زده‌اند. به‌طور مثال شکایت مردی از عقد دختر نابالغش توسط ملارحیم و تقاضای تنبیه و تبعید او را می‌توان در سندی از مجموعه‌ی عبدالعلی سلطانی مطلق مشاهده کرد (سند شماره‌ی ۱۲۵۸۸۱۶).

۶. نتیجه‌گیری

آنچه در این جستار به بررسی آن پرداختیم مبتنی بر اسناد آرشیو برخط «دنیای زنان در عصر قاجار» بود. نویسندگان مدعی گردآوری همه اسناد در زمینه حقوق زنان نیستند و مگر می‌توان با حجم اسناد عظیم اسناد برجای مانده از دوره قاجار چنین ادعایی را طرح کرد؟ اما بر این باورند اسناد این آرشیو که همگی با محوریت زنان گردآوری شده است با امعان نظر به حقوق زنان شهرنشین در عصر قاجار و برای عرضه تصویری متفاوت از زنان این دوره بسی دارای استعدادی شگرف هستند. پژوهشگران ضمن آگاهی از ستم‌های وارد آمده به زنان از ناحیه ساختار مردسالار فرهنگ ایران و با تأکید بر این بینش کلی که زندگی زنان روستایی و شهری از حیث حقوق مورد اشاره در این مقاله شرایط متفاوتی داشتند، با بررسی اجمالی این اسناد که فراهم آمده از اسناد خانوادگی و نه رسمی است، دریافته بودند که می‌توان خوانشی خلاف‌آمد عادت از زن ایرانی قاجاری ارائه کرد که در مطالعات جدید عموماً به عنوان «ضعیفه» و محروم از حقوق تصویر شده است؛ همچنین در این دسته از مطالعات، تلاش زنان برای آشنایی با حقوق‌شان و احقاق آن‌ها عمدتاً به آشنایی زنان با فرهنگ مدرن غرب در پرتو انقلاب مشروطه منتسب شده است. نویسندگان با توجه به حجم بالای اسناد و تنوع موضوعات آن‌ها، به‌ناچار دست به انتخاب زدند و ذیل موضوعات: «حقوق زن به‌عنوان همسر در زندگی مشترک»، «حقوق زن به‌عنوان مادر یا فرزند»، «حقوق و فعالیت‌های زن به‌عنوان کنشگر اجتماعی»، «حقوق و فعالیت‌های زن به‌عنوان فعال اقتصادی» و «حقوق زن در دعاوی و مراجع قضایی» اسناد را مطالعه، بررسی و تحلیل کردند. حاصل این مطالعه نشان می‌دهد زنان شهرنشین:

۱. در حوزه زندگی مشترک و با عنایت به جایگاه زن به‌عنوان زوجه، زنان حداقل در چارچوب‌های موجود به آن‌چه طبق سنت و دین برای آن‌ها در نظر گرفته شده دست می‌یافته‌اند.

۲. بررسی اسناد مربوط به «حقوق زن به‌عنوان مادر» ما را به این نتیجه رساند که زنان شهرنشین دوره‌ی قاجار نه تنها نقش خود را فقط به‌عنوان مادر سستی که تنها وظیفه‌اش فرزند پروری و نگهداری از کودکانش است نمی‌دیدند، بلکه در مواردی به حقوق خود آگاه بوده و از آن در مسائل مختلف مانند حضانت از فرزند و نقش خود به‌عنوان مالک و فعال اقتصادی و هم‌چنین به‌عنوان حامی فرزندان در مقابل ظلم استفاده می‌کردند. طبق همین اسناد همچنین بر ما ثابت شد که فرزندان نیز این حقوق را برای مادرانشان به رسمیت می‌شناختند و در موارد لزوم با کسب اجازه از آن‌ها وارد معاملات می‌شدند.

۳. زنان شهرنشین در عرصه اقتصادی صاحب حقوقی بودند و دست به فعالیت‌های اقتصادی می‌زدند. آنچه ما از اسناد دریافتیم، نقش فعال و پویای آنان در این زمینه بود. زنان آزادانه به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند، وارد معاملات می‌شدند بر اموال خود تملک و اختیار آن را در دست داشتند.

۴. در مطالعه «حقوق زن در دعاوی و مراجع قضایی» سراغ عریضه‌ها و استشهادنامه‌ها رفتیم. این نوع اسناد به ما نشان داد با آن‌که در سراسر دوره‌ی قاجار هر دو نوع اسناد مورد استفاده قرار گرفته، عریضه‌ها به نسبت استشهادنامه‌ها رواج بیشتری داشته است. دلیل آن را شاید بتوان تشکیل مجلس و تغییر نوع حکومت دانست که سبب می‌شد نوع درخواست مردم برای پیگیری شکوائیه‌هایشان تغییر کند. نکته‌ی جالب توجه این است که با آنکه عریضه می‌تواند به هر شخصی که از نظر اجتماعی و سیاسی بالاتر است و پیگیر حقوق شاکی شود نوشته شود، اما بعد از مشروطه مخاطب عمده عریضه‌ها، مجلس، وزارت عدلیه و وزارت خارجه هستند و حتی در اسناد دیده شد در پاره‌ای موارد افراد شکایت خود را از والیان و حکام محلی به مجلس بردند و شاید بتوان گفت این تلاشی است در جهت احقاق حقوق شهروندی مردم و به‌ویژه زنان ایرانی.

پی‌نوشت‌ها

۱. این گزاره چنان بدیهی است که نیازی به استناد ندارد، اما جهت تفصیل آن نک. مجموعه آثار بنفشه حجازی که موضوع زنان را از باستان تا پایان دوره قاجار پیگیری کرده است.
۲. در باب مردسالارانه بودن یا حتی زن ستیزانه بودن ادبیات فارسی آثار متعددی به رشته تحریر درآمده که شاید شاخص‌ترین آن‌ها کتاب درخشان مریم حسینی با این مشخصات باشد: *ریشه‌های زن-ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی*، تهران: چشمه، ۱۳۹۳.

۳. برای نمونه این اثر کلاسیک تنجیمی: ابوریحان بیرونی، *التفهیم لأوائل صناعه تنجیم*، با تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱، به‌ویژه در تعاریف سیارات.
۴. برای مثال می‌توان به تلقی‌های ناصواب از این آیات اشاره کرد: آل عمران/۱۴؛ یوسف/۲۸؛ نسا/۳۴. در احادیث نیز گاه به احادیث ضعیفی برمی‌خوریم که مستمسک زن‌ستیزان قرار گرفته است. برای تفصیل این احادیث نک. مهدی مهریزی، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲. برخی از این خوائش‌ها چنان در تضاد با روح اسلام است که مخاطب صرفاً می‌تواند زمینه و زمانه را در صدور آن‌ها دخیل بداند. برای نمونه نک. آرای ملاصدرا در باب زنان که آن‌ها را در عداد «حیوانات» ذکر کرده است و ملاهادی سبزواری چند قرن بعد در شرحی که بر *اسفار* نوشته بر آن مَهر تأییدی مجدد می‌زند. ملاصدرا، *اسفار اربعه*، قم: مکتبه مصطفوی، بی‌تا، ۱۳۶۷.
۵. این برداشتی بود که خود فعالان حقوق زن عصر قاجار از آن داشتند. برای نمونه نک. مقالات انتقادی *روزنامه شکوفه* که در واقع نخستین روزنامه مخصوص زنان در دوره قاجار بود که پس از مشروطه برای چند سال مجال انتشار یافت.
۶. برای تفصیل این فعالیت‌ها که بیشتر زنان سردمدار آن بودند نک. محمدحسین خسروپناه، *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، تهران: پیام امروز، ۱۳۸۱، به‌ویژه بخش دوم.
۷. آثار بنفشه حجازی را گرچه تلاش کرده است تصویری به زعم خود متعادل از زنان ارائه دهد می‌توان در ردیف این آثار به حساب آورد. عناوین برخی از کتاب‌های او مثل: «تاریخ هیچکس» نشان از جهت‌گیری‌های فمینیستی نویسنده دارد؛ محتوای این آثار نیز نشان می‌دهد او تمام توان خود را بر ارائه تصویری سیاه‌نمایانه از زن متمرکز کرده است.
۸. پوشیدنی یا لباس (دهخدا).
۹. درباره مبانی فقهی و ساختار وصیت‌نامه نک. رضایی، همان، ۱۹۱-۱۹۶.
۱۰. افزاز به معنای تقسیم ملک مشاع است. (دهخدا).
۱۱. نذر از ایقاعات است.

شیوهٔ ارجاع به این مقاله

باقری ایبانه، الناز و بهزاد کریمی (۱۳۹۹)، «بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجاریه بر اساس اسناد آرشیوی «دنیای زنان در عصر قاجار»»، *دوفصل‌نامه علمی- پژوهشی تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۱۰، ش ۲.

doi: 10.30465/shc.2021.32257.2121

کتاب‌نامه

الف. سند:

بازخوانی حقوق زنان شهرنشین در دوران قاجاریه ... (الناز باقری ابیانه و بهزاد کریمی) ۵۹

آرشیو برخط دنیای زنان در عصر قاجار (دزدعق) وابسته به دانشگاه هاروارد به آدرس:

<http://www.qajarwomen.org>

دزدعق، مجموعه «میثم احمدی کافشانی»:

سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۱۸

سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۴۶

سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۶۶

سند شماره‌ی ۱۵۱۶۱۸۱۵۷

دزدعق، مجموعه «الله بهرامی»:

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۵۸۳۸

دزدعق، مجموعه «کارن»:

سند شماره‌ی ۱۲۵۲ A۱۳۳

سند شماره‌ی ۱۲۵۲ A۱۳۶

سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۱۳۹

سند شماره‌ی ۱۲۵۲ A۱۵۵

سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۱۹۹

سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۲۱۰

سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۲۵۰

سند شماره‌ی ۱۲۵۲A۲۵۶

دزدعق، «مجموعه‌ی امیرحسین نیک‌پور»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲A۴۲

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲A۸۲

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲A۱۵۰

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۲A۵۲۱

دزدعق، «مجموعه‌ی جمال رادفر»:

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۱

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۴

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۶۹

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۷۴

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۸۴

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۸۶



رویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۶۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۱۰۵

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۲۶۹

سند شماره‌ی ۱۶۱۷۹A۳۱۲

دزدعق، «مجموعه‌ی زانیار نوری»:

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸A۱۱

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸A۲۶

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸B۹

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸B۱۷

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸B۲۶

سند شماره‌ی ۱۳۱۱۸ B۴۷

دزدعق، «مجموعه‌ی ایران دیبی»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵A۲

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵A۵۳

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵A۸۲

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۵A۸۴

دزدعق، «مجموعه‌ی محمد عسگری»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۸۳۲

دزدعق، «مجموعه‌ی سیدمهدی خطیبی»:

سند شماره‌ی ۱۲۵۶A۱۸

دزدعق، «مجموعه‌ی بهمن بیانی»:

سند شماره‌ی ۳۱B۰۶۶

دزدعق، «مجموعه‌ی موزه قاجار»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۵۰A۲۸

دزدعق، «مجموعه‌ی غلامرضا سحاب»:

سند شماره‌ی ۱۳۱۰۶A۱

دزدعق، «مجموعه‌ی آذرکیوان و محمدرضا رفیعی»:

سند شماره‌ی ۱۲۸۰A۹

دزدعق، «مجموعه‌ی سعید بدیهی»:

سند شماره‌ی ۱۵۱۶۶A۳۸

دزدعق، «مجموعه‌ی مرکز اسناد و کتابخانه‌ی استان یزد»:



سند شماره‌ی ۱۳۱۲۲۸۳۱

دزدعق، «مجموعه‌ی رضا سرابی اقدام»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۴۸۸۳۲

دزدعق، «مجموعه‌ی آستان قدس»:

سند شماره‌ی ۱۴۱۲۶۸۶۹

دزدعق، «مجموعه‌ی اشرفی»:

سند شماره‌ی ۱۱۳۸۸۱۸۷

دزدعق، «مجموعه‌ی موزه‌ی مردم‌شناسی اوز»:

سند شماره‌ی ۱۶۱۸۴۸۱

دزدعق، «مجموعه‌ی مجید قاضی زاده»:

سند شماره‌ی ۱۶۱۸۷۸۲

دزدعق، «مجموعه‌ی بهرام شیخ‌الاسلامی»:

سند شماره‌ی ۱۱۳۹۸۱۱۱

سند شماره‌ی ۱۰۱۶۸۱۸۳

دزدعق، «مجموعه‌ی عبدالعلی سلطانی مطلق»:

سند شماره‌ی ۱۲۵۸۸۱۶

ب. کتاب:

قرآن کریم

ابوریحان بیرونی (۱۳۵۱). التفهیم لأوائل صناعه تنجیم، با تعلیقات جلال‌الدین همایی، انجمن آثار ملی، تهران. کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸). کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، دنیای کتاب، تهران.

جوهری، مریم (۱۳۹۵). پژوهشی در عقده‌نامه‌های ازدواج دوره قاجار، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.

حجازی، بنفشه (۱۳۸۱). ضعفه: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفویه، قصیده‌سرا، تهران. حجازی، بنفشه (۱۳۸۵). تاریخ هیچکس: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر افشاریه و زندیه، قصیده-سرا، تهران.

حجازی، بنفشه (۱۳۹۴). تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار، قصیده‌سرا، تهران.

حسینی، مریم (۱۳۹۳). ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی، چشمه، تهران.

خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱). هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، پیام امروز، تهران.

رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

لغت‌نامه دهخدا

ملاصدرا، (بی‌تا). اسفار اربعه، مکتبه مصطفوی، قم.

مهریزی، مهدی (۱۳۸۶). شخصیت و حقوق زن در اسلام، علمی و فرهنگی، تهران.

ج. مصاحبه:

میرغدادآبادی، فرشیده (۱۳۹۲). «امیدوار به روایتی متفاوت از تاریخ زنان»، گفتگو با فرشیده میرغدادآبادی، مدیر اجرایی پروژه دنیای زنان در عصر قاجار، اندیشه پویا، س دوم، ش ۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۲.

نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۹۲). «به دنبال تاریخ خانه به خانه می‌گردیم»، گفتگوی آمنه شیرافکن با افسانه نجم‌آبادی درباره پروژه آرشیو آنلاین دنیای زنان در عصر قاجار، اندیشه پویا، س دوم، ش ۹، مرداد و شهریور ۱۳۹۲.

د. مقاله:

دهقان‌نژاد، مرتضی و الهه محجوب (۱۳۹۴). «روابط حقوقی زن و مرد دوره‌ی قاجار در نظام خانواده»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، ش ۲، صص ۳۳-۵۱.

طیباتی، حسین (۱۳۵۳). «سیری در قباله‌های ازدواج»، هنر و مردم، ش ۱۴۰-۱۴۱، صص ۶۶-۷۳.

علیپور، نرگس (۱۳۸۹). «منع برده فروشی در عصر قاجار به روایت اسناد»، فصلنامه مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، س چهل و دوم، ش ۸۵/۴.